

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

اصلاح‌طلبی، امر به معروف و نهی از منکر (۲)

یادآوری مباحث گذشته پیرامون ضرورت و اهمّیت اطلاع‌طلبی

در مبحث پیشین، اهمّیت و ضرورت اصلاح‌طلبی و فسادستیزی را بیان کردیم که جهت یادآوری به رؤوس آن اشاره می‌کنم. گفتیم اسلام معتقد است که فسادها و عیوب در جوامع و حتّی در نظام کائنات زاییده‌ی رفتارهای خطای انسان‌هاست و گفتیم اثر فساد محدود به شخص فاسد نمی‌شود؛ بلکه فساد او دیگران را هم متضرّر و متأثر می‌کند و لذا کار شخص فاسد، یک کار فردی نیست. امر به معروف و نهی از منکر هم ناظر بر تأثیر اجتماعی انجام منکر و ترک معروف است و عمدتاً ناظر بر حوزه‌ی واجب و حرام است؛ در حوزه‌ی مستحبات و مکروهات وجوب ندارد و حالت توصیه و ترغیب است؛ در مباحات هم اصلاً مصداقی ندارد.

گفتیم این بحث با آزادی هیچ تعارضی ندارد. آزادی‌های شخصی به این معنی نیست که افراد آزادند خلاف فرمان خدا عمل کنند، حرّامات الهی را بشکنند، یا کاری کنند که زن و بچه، خانواده، نزدیکان، همشهریان و هم‌کیشان آنها آسیب ببینند. یک مثال از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کردیم؛ آن گروهی که در کشتی بودند و تعدادی از آنها تصمیم می‌گیرند کشتی را سوراخ کنند و بگویند ما فقط قسمت خودمان را سوراخ می‌کنیم. حضرت فرمودند اگر کسی جلوی اینها را نگیرد همه‌ی اهل کشتی غرق خواهند شد. بنابراین اگر با فساد و منکر مبارزه نشود همه‌ی افراد جامعه هلاک می‌شوند.

نکته‌ی بعدی که اشاره کردیم این بود که در جامعه‌ی اسلامی، همه به‌خصوص افراد آگاه و صاحب‌اندیشه و فرهنگ، مسؤولیت مبارزه‌ی با فساد را دارند و تحوّل جامعه جز از طریق این حرکت امکانپذیر نیست. مشکلات جامعه جز از طریق چنین حرکتی، قابل حل نیست.

نکته‌ی بعدی این بود که در جوامعی که منکرات رایج می‌شود و معروف‌ها ترک می‌شود، نجات فقط مال گروه مصلح و فسادستیز و آمر به معروف و ناهی از منکر است. و گفتیم اصلاح‌طلبان دروغین و منافق هم وجود دارند و شبیه امر به معروف و نهی از منکر مؤمنین، توسط منافقین هم انجام می‌شود؛ منتها با صدوشتاد درجه انحراف محور. یعنی هر دو حرکتی دارند که از نظر ظاهر شبیه هم است؛ مهم این است که چه ارزشی را ترویج می‌کنند و با چه چیزی می‌ستیزند. مؤمن نیکی‌ها را ترویج می‌کند و با بدی‌ها و ضدآرزوها می‌ستیزد، در برابرش منافق مروج ضدآرزوها و مخالف و ستیزنده‌ی با ارزش‌های واقعی الهی است.

نکته‌ی بعدی که به استناد آیات قرآن بحث کردیم این بود که تنها جوامعی که مصلح باشند شانس بقا دارند و نجات پیدا می‌کنند و جوامع دیگر فرومی‌پاشند. نکته‌ی بعد این بود که نباید به‌خاطر قدرت گرفتن فساد و مسلط شدن مفسدان در جامعه، روحیه‌ی خود را ببازیم و اسیر یأس شویم.

تأکید اسلام بر امر به معروف و نهی از منکر در جهت اصلاح فرد و جامعه

اکنون به محور دوم بحث، یعنی جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام و تأکید ویژه‌ی اسلام بر این امر مهم می‌پردازیم.

امام باقر علیه السلام درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: **أَسْمَى الْفَرَائِضِ وَ أَشْرَفُهَا**: برترین و بالاترین و شریف‌ترین فرائض الهی که از نماز، روزه، خمس، زکات، حج و از همه‌ی عبادات الهی برتر

است، امر به معروف و نهی از منکر است. **فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ**^۱: همه‌ی عبادات تحت‌الشعاع این فریضه‌ی عظیم الهی است. این غلو نیست! معصوم سخن می‌گوید!

جالب اینجاست که بحث امر به معروف و نهی از منکر از نظر ابواب فقه، در کتاب‌العبادات قرار دارد. این نکته‌ی بسیار ظریفی است که امر به معروف و نهی از منکر و جهاد، یعنی اجتماعی‌ترین، سیاسی‌ترین و نظامی‌ترین بحث‌های اسلام در کتاب‌العبادات است! یعنی گمان نکن عبادت آن است که در گوشه‌ی مسجد یا خانقاه، مشغول عبادت شوی! درست نگاه کن و عبادت واقعی خدا و تصویر کامل عبادت را ببین! عبادت به کنج انزوای فردیت و درونگرایی خزیدن نیست. البته نماز و روزه هم مهم است؛ وگرچه نماز و روزه هم احکام جمعی هستند و در نماز و روزه هم امر جمعی شده است. خدای متعال فرمود: **أَقِمُوا الصَّلَاةَ**^۲ همه با هم نماز را به پا دارید. اما برترین فریضه و برترین عبادت امر به معروف و نهی از منکر است. لذا اگر اهل عبادتیم و می‌خواهیم عبادت کنیم، بدانیم که برترین عبادت امر به معروف و نهی از منکر و جهاد فی سبیل‌الله است.

می‌خواهی سراغ عرفان بروی و از اولیاء‌الله شوی؟ می‌خواهی به بهشت بروی؟ خواست‌های افراد آخرت‌گرا و معنویت‌گرا معمولاً همین‌هاست دیگر! اگر اینها را می‌خواهی به عرصه‌ی جهاد بیا! امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: **إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ**^۳ جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند برای اولیاء خاص خود گشوده است. اگر عرفان می‌خواهی اگر می‌خواهی از اولیاء‌الله شوی بیا جهاد کن! نه اینکه به محفل سماع بروی یا خودت را در حلقه‌ی ذکر زندانی کنی و گمان کنی که جزو اولیاء الهی شده‌ای!

-
۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۶؛ طوسی، محمدبن‌حسن، تهذیب‌الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۰ و ورام، مجموعه‌ی ورام، ج ۲، ص ۱۲۵.
 ۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۴۳ و سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۸۷.
 ۳. سیدرضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۶۹؛ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۴ و طوسی، محمدبن‌حسن، تهذیب‌الاحکام، ج ۶، ص ۱۲۳.

عرفان تک‌بعدی، عرفان اهل‌بیت علیهم‌السلام نیست. عرفان حقیقی نه فقط جهاد و امر به معروف و فعالیت اجتماعی است و نه فقط کسب معرفت و تهذیب نفس فردی است. همه‌ی اینها با هم عرفان کامل اهل‌بیت علیهم‌السلام است.

قرآن کریم می‌فرماید: **وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ**^۴ باید از بین شما گروهی باشند که اولاً به نیکی‌ها دعوت کنند؛ ثانیاً امر به معروف کنند؛ ثالثاً نهی از منکر کنند. می‌فرماید اگر طالب فلاح و رستگاری و سعادت هستید، این سه کار باید در جامعه‌ی دینی شما انجام شود. دعوت به‌سوی خیر لطیف‌ترین شکل است. بعد امر به معروف که در آن نوعی آمریت و قدرت است. نهی از منکر از آن هم شدیدتر است. (این سه مرحله را در بحث مراتب امر به معروف توضیح خواهیم داد).

قرآن در آیه‌ی دیگری فرمود: **كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ**^۵ شما مسلمانان بهترین امتی هستید که در بین جوامع بشری ظاهر شدید. اما یهود و نصارا هم مدعی بودند که ما برتریم و نور چشمی خدا هستیم! چه چیزی مسلمانان را برتر و گل سر سبد کرد؟ قرآن می‌فرماید: آنچه شما مسلمانان را برتری داده، این است که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید؛ پس اگر چنین نکنید، برتر هم نیستید!

امر به معروف و نهی از منکر، در واقع همان مدیریت مشارکتی است.

۴. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۰۴.

۵. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۱۰.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: **وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَ أَنْكَرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَ لِسَانِكَ وَ بَايِنَ مِنْ فِعْلِهِ جُهْدَكَ وَ جَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ لَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ**^۶ اگر می‌خواهی اهل معروف و نیکی باشی، امر به معروف کن و با دست و زبان علیه منکر مبارزه کن و با عمل خودت و با تمام توان، از بدی‌ها مابینت و مفارقت بجوی! یعنی سعی کن هم خودت آلوده به بدی‌ها نباشی، هم برای اصلاح جامعه آن‌گونه که سزاوار جهاد در راه خداست مجاهدت کن و در این مسیر الهی سرزنش هیچ‌کس بر تو اثر نگذارد. بنابراین کسی گمان نکند که می‌تواند خودش را از عرصه‌ی امر به معروف کنار بکشد و به خلوت ذکر و فکر و عبادت و خودسازی فردی رود، و فرد شایسته‌ای هم بشود.

به تعبیر دیگر می‌توان گفت امر به معروف و نهی از منکر یعنی نظارت و کنترل در مدیریت سازمان جامعه‌ی اسلامی با مشارکت آحاد تشکیل‌دهنده‌ی آن جامعه.

این همان چیزی است که امروزه به آن مدیریت مشارکتی می‌گویند و موفق‌ترین سبک مدیریت است. یعنی مدیریتی که مشارکت کل کارکنان یک سازمان را در تصمیم‌گیری، اداره، هدایت مجموعه، نظارت و کنترل آن جلب می‌کند و از تمام توان عناصر سازمان برای پیشبرد سازمان استفاده می‌کند. بسیاری از مشکلاتی که در مدیریت مطرح است، مثل مقاومت در برابر تغییر، در مدیریت مشارکتی حل می‌شود. و یکی از اصول مدیریت که نظارت و کنترل است با مشارکت جمع انجام شود. امر به معروف و نهی از منکر در واقع چنین اصلی است.

گستره و دامنه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، تمامی معروف‌ها و منکرها است.

محور بعد این است که امر به معروف و نهی از منکر چه حوزه‌ای را دربرمی‌گیرد؟ گاهی اوقات تصویر ما از این اصل، بسیار کوتاه و کوچک است. در همین حد که به خانمی بگوییم روسریت را درست کن

۶. سیدرضی، نهج‌البلاغه، نامه ۳۱، ص ۳۹۲ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴،

ص ۲۰۲.

یا به آقایی بگوییم دکمه‌های یقه‌ات را درست بند! یعنی این مسأله‌ی بزرگ اجتماعی را در احکام عبادی یا فقهی فردی خلاصه کرده‌ایم. در حالی که گستره و دامنه‌ی امر به معروف و نهی از منکر تمامی معروف‌ها و تمامی منکرها را در برمی‌گیرد. در یک جامعه معروف همه‌ی اهداف مثبت و منکر همه‌ی اهداف منفی است! هرچیزی که بتواند اهداف اسلامی را در جامعه محقق کند در نطق امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد. یعنی تمامی امور جامعه اعم از اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، حقوقی، سیاسی، نظامی، هرچه تصور کنید، همگی در نطق امر به معروف و نهی از منکر است.

در حکومت‌های اوائل اسلام، سازمان یا نهادی به‌نام امور حسبه وجود داشت که وظیفه‌ی آن امر به معروف و نهی از منکر بود و به مأموران آن محتسب می‌گفتند. در شعرها هم داریم و شنیده‌اید که مثلاً: محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت ... وقتی به آثار نویسندگان اسلامی که در آن سال‌ها در مورد حکومت نوشته‌اند مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم تمام شؤون جامعه را در امر احتساب یا حسبه معرفی کرده‌اند. هیچ امری، در آن مستثنا نیست.

این سخن کاملاً منطبق بر فرمایش معصومین علیهم‌السلام است. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: **إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ:**^۷ امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و برنامه‌ی صالحان است. یک واجب بسیار بزرگ الهی است که همه‌ی فرائض و واجبات به‌وسیله‌ی آن بر پا می‌شوند. امنیت راه‌ها با آن تأمین می‌شود؛ یعنی آنچه را پلیس راه اجرا می‌کند، امر به معروف و نهی از منکر نامیده‌اند. کسب‌ها و تجارت‌ها با امر به معروف و نهی از منکر در مسیر درست شرعی جاری می‌شود و جلوی کسب‌های حرام گرفته و کسب‌های حلال رایج می‌شود. با امر به

۷. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۶ و وزام بن ابی‌فراس، مجموعه‌ی وراأم (تنبیه الخواطر)، ج ۲، ص ۱۲۵.

معروف و نهی از منکر است که همه‌ی حقوق غصب‌شده به مظلومان بازگردانده می‌شود. با امر به معروف و نهی از منکر است که زمین آباد می‌شود؛ پس همه‌ی کارهای عمرانی در حوزه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است. با همین اصل، حقوق ملت مسلمان از دشمنان باز پس گرفته می‌شود؛ یعنی در عرصه‌های بین‌المللی، چه به شکل جنگ و چه دیپلماسی، آنچه می‌تواند حق جامعه‌ی اسلامی را بازستاند، مصداقی از امر به معروف و نهی از منکر است. و در نهایت قوام و به راست آمدن همه‌ی امور حکومت اسلامی در پناه امر به معروف و نهی از منکر است. این گستره‌ی امر به معروف و نهی از منکر است!

شاخص‌ترین و بارزترین ویژگی مؤمن از دیدگاه قرآن کریم، امر به معروف و نهی از منکر است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در همین رابطه می‌فرماید: **« قَالَ اللَّهُ « الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ » فَبَدَأَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ مِنْهُ لِعَلِمِهِ بِأَنَّهَا إِذَا أُدِيَتْ وَ أُقِيمَتْ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيْئَهَا وَ صَعْبُهَا وَ ذَلِكَ أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءٌ إِلَى الْإِسْلَامِ:** خدای متعال فرمود: مردان و زنان مؤمن، برخی با هم دوست هستند و بر هم ولایت دارند و اینان امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. این اولین واجبی است که قرآن به‌عنوان شاخص‌ترین ویژگی مؤمن بیان می‌کند؛ یعنی مهمترین و بارزترین شاخصه‌ای که مؤمن را از غیرمؤمن متمایز می‌کند، همین امر به معروف و نهی از منکر است. زیرا خدا می‌دانست اگر در جامعه حق امر به معروف و نهی از منکر ادا شود و این فریضه‌ی الهی برپا شود، همه‌ی فرائض، از کوچک و بزرگ، و آسان و دشوار، در پناه آن برپا خواهد شد؛ چون امر به معروف و نهی از منکر دعوت به‌سوی مکتب اسلام است. پس تمامی فعالیت‌های تبلیغی اسلامی در حوزه‌ی این اصل قرار می‌گیرد.

حضرت در ادامه می‌فرمایند: **مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَ مُخَالَفَةِ الظَّالِمِ وَ قِسْمَةِ الْفِيءِ وَ الْغَنَائِمِ وَ أَخْذِ الصَّدَقَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَ وَضْعِهَا فِي حَقِّهَا**^۸ دومین مصداق امر به معروف و نهی از منکر، اموری است که موجب بازپس گرفتن حقوق مظلومین از ظالمان است. همه‌ی ستیزه‌هایی که با ستمگران می‌شود در شمول این اصل است. توزیع درست منابع اقتصادی در جامعه، در پناه این اصل صورت می‌گیرد و جمع‌آوری مالیات از جایگاه‌های درست آن و هزینه شدن آنها در موارد کاملاً صحیح خودش در پناه امر به معروف و نهی از منکر تحقق پیدا می‌کند. می‌بینید که روایات چه تصویر گسترده‌ای از امر به معروف و نهی از منکر به دست می‌دهند و با آن تصویر سنتی کوچکی که ما از این اصل در ذهن داریم چقدر متفاوت است!

آثار و نتایج ترک امر به معروف و نهی از منکر

محور بعد، نهی و تحذیر شدیدی است که اسلام از ترک امر به معروف و نهی از منکر کرده و هشدار می‌دهد که نسبت به تبعات دنیوی و اخروی ترک آن داده است. بنده در روایات هشت محور استخراج کردم که تبعات و آثار بسیار تلخ و سنگین ترک امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌ی اسلامی را فرموده‌اند.

اثر اول، واژگونی ارزش‌ها در جامعه

اولین اثر، واژگونی ارزش‌ها در جامعه است. وقتی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ترک می‌شود، خوب‌ها بد و بد‌ها خوب معرفی می‌شوند. ضداً ارزش‌ها به ارزش و ارزش‌ها به ضداً ارزش تبدیل می‌شود. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: **كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَ نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شُبَّانُكُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؟ فَقِيلَ لَهُ: وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ: نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ**

۸. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۳۰ و ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۲۳۷.

عَنِ الْمَعْرُوفِ؟ قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَكُونُ ذَلِكَ؟! قَالَ: نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؟^۹ ای مسلمانان چه حالی خواهید داشت هنگامی که زنان شما فاسد و جوان‌های شما فاسق شوند و امر به معروف و نهی از منکر هم نکنید؟ عرض کردند: ای رسول خدا، مگر می‌شود در جامعه‌ی اسلامی کار به اینجا بکشد؟! حضرت فرمودند: بله و از این هم بدتر می‌شود! در چه حالی خواهید بود وقتی که در جامعه‌ی اسلامی به منکر امر کنید و از معروف نهی کنید؟ عرض شد: ای رسول خدا آیا چنین چیزی هم می‌شود؟ فرمودند: بله و از این بدتر هم می‌شود! در چه حالی خواهید بود وقتی که در جامعه‌ی اسلامی معروف را منکر می‌بینید و منکر را معروف؟ یعنی ارزش‌ها واژگونه، بدها خوب و خوب‌ها بد به نظر می‌آیند. این اولین اثر و نتیجه‌ی ترک امر به معروف و نهی از منکر است.

اثر دوّم، خشم خدا در اثر ترک امر معروف و نهی از منکر

دومین نتیجه، دشمنی و خشم خدا نسبت به تارکان امر به معروف و نهی از منکر است. پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: **إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِيُبْغِضَ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا زَنْزَرَ لَهُ [لَا دِينَ لَهُ]؛ وَ قَالَ هُوَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ:**^{۱۰} خدای تبارک و تعالی دشمن می‌دارد آن مؤمن ضعیفی را که عقل درست و حسابی ندارد (یا دین درست و حسابی ندارد). خشم خدا متوجه چنین مؤمنی است. بعد حضرت فرمودند: می‌دانید مقصودم چیست؟ مقصودم مؤمنی است که نهی از منکر نمی‌کند. پس دومین پیامد، خشم و غضب الهی است.

۹. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۹؛ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۷ و جمیری، قرب الاسناد، ص ۵۴.
 ۱۰. صدوق، معانی الاخبار، ج ۱، ص ۳۴۴؛ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۹ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۷۷.

اثر سوم، سلب برکات از زندگی مردم

سومین اثر، سلب برکات است. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: **لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ عَنْهُمْ الْبَرَكَاتُ:**^{۱۱} همواره وضع مردم خوب خواهد بود تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کنند و در کارهای نیک با هم معاونت و همیاری کنند. اما هنگامی که این کار را ترک کنند، همه‌ی برکات از زندگی آنها سلب می‌شود.

اثر چهارم، مسلط شدن اشرار و فجّار بر جامعه اسلامی

چهارمین اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر، مسلط شدن اشرار و فجّار بر جامعه‌ی اسلامی است. گاهی اوقات ما گله می‌کنیم که این چه مدیری است در جامعه‌ی اسلامی؟ کجای او به مدیر مسلمان می‌خورد؟! نه ظاهرش، نه باطنش، نه اندیشه و نه احساسش، نه زندگی شخصی و نه حرکاتش، کجای او به مدیر مسلمان می‌خورد؟! اسم این نظام جمهوری اسلامی است! بعد چنین فردی شده وزیر! شده رئیس دانشگاه یا رئیس فلان مؤسسه! کجای او به حکومت اسلامی می‌خورد؟! می‌دانید چرا اینها در جامعه‌ی ما حاکم شدند؟ ترک امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، دلیل روی کار آمدن چنین افرادی است. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ادامه‌ی روایت قبل می‌فرمایند: **وَ سَلَّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ:** اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، برخی از آنها بر برخی دیگر مسلط می‌شوند و هیچ یابوری برای مؤمنان، نه در زمین و نه در آسمان پیدا نخواهد شد!

۱۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۱؛ و زام بن ابی‌فراس، مجموعه‌ی ورام، ج

۲، ص ۱۲۶ و مفید، مقنعه، ج ۱، ص ۸۰۸.

حضرت در حدیث دیگری فرمودند: **لَتَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ يُسَلِّطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.**^{۱۲} یا امر به معروف و نهی از منکر می کنید، یا اگر نکردید خدا اشرار شما را بر شما مسلط می کند. افراد شرّ و فاسد، حاکم و مدیر و رئیس شما می شوند! آنگاه خوبان شما هر چه دعا می کنند که خدایا ما را از شرّ اینها نجات بده، اجابت نخواهد شد! این سخن پیامبر است!

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصایای خود فرموده اند: **اللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تَشْرِكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَوَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ.**^{۱۳} خدا را در نظر بگیرید! خدا را در جهاد با دارایی تان، و جهاد با جان و زبان تان در نظر بگیرید. امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که در آن صورت شیران، ولایت، مدیریت، حاکمیت و ریاست شما را به دست خواهند گرفت. آن زمان هر چه دعا کنید اجابت نمی شود! البته برای این عبارت **ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ**، یک معنای دیگر هم قابل تصور است. اینکه خوبان شما سراغ همین مدیران فاسد می روند و هر چه صدایشان می زنند جواب نمی دهند! یعنی مؤمنین این قدر حقیر و ذلیل می شوند که این رؤسا دیگر آنها را تحویل نمی گیرند و جوابشان را هم نمی دهند. صدها نامه می نویسند و صدها بیانیته صادر می کنند، یک جواب هم نمی گیرند!

اثر پنجم، ذلت و خواری

۱۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۷۸ و با اندکی تفاوت: کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۶ و طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۶: **لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لِيَسَلِّطَنَّ اللَّهُ شِرَارَكُمْ عَلَى خِيَارِكُمْ فَيَدْعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.**

۱۳. سیدرضی، نهج البلاغه، نامه ۴۷، ص ۴۲۱؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۳۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۹۰ و ج ۴۲، ص ۲۵۶.

پنجمین اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر، ذلت و خواری است. امام باقر علیه السلام فرمودند: **الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ [خُلُقَانٍ] مِنْ خَلْقٍ [خُلُقٍ] اللَّهُ فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ خَدَلَهُمَا خَدَلَهُ اللَّهُ:**^{۱۴} امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق از مخلوقات الهی [یا دو صفت و اخلاق از اخلاق الهی] هستند که خدای عزوجل آنها را آفریده است. پس هرکس این دو را یاری کند خدا او را عزیز می کند و هرکس این دو اصل و دو مخلوق بزرگ الهی را خوار کند خدا هم او را خوار می کند.

اثر ششم، محرومیت از رحمت الهی

ششمین اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر، لعن و محرومیت از رحمت الهی است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: **فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنِ الْقُرْنَ الْمَاضِي بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لِتَرْكِهِمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ الْمَعَاصِي وَ الْحُكَمَاءَ لِتَرْكِ النَّهْيِ:**^{۱۵} خدای متعال جوامع پیشین را که تاریخ آنها در برابر شماسست لعن نکرد، مگر به خاطر اینکه آنها امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. خدا سفیهان، جاهلان و ناآگاهان را به خاطر ارتکاب معاصی لعن کرد و روشنفکران، آگاهان، متفکران، تحصیل کرده ها و فرهیختگان را به خاطر ترک مبارزه با منکرات، لعن کرده است. معنی لعن از نظر لغوی محروم کردن از رحمت است؛ یعنی خدا آنها را از رحمت خود محروم کرد؛ چه رحمت دنیوی و چه رحمت اخروی.

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیث دیگری فرمودند: **إِعْتَبِرُوا أَيُّهَا النَّاسُ بِمَا وَعَظَ اللَّهُ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ مِنْ سُوءِ ثَنَائِهِ عَلَى الْأَخْبَارِ إِذْ يَقُولُ «لَوْ لَا بِنَهَاؤُهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ» وَ قَالَ «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ»، «كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا**

^{۱۴}. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۹؛ صدوق، خصال ج ۱، ص ۴۲ و طوسی،

تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۷.

^{۱۵}. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ (اصعه)، ص ۲۹۹ و مجلسی،

بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۹۰.

كَانُوا يَفْعَلُونَ» وَإِنَّمَا عَابَ اللَّهُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَزُونَ مِنَ الظَّالِمَةِ الْمُنْكَرِ وَ الْفَسَادِ فَلَا يَنْهَوْنَهُمْ عَنْ

ذَلِكَ: ^{۱۶} ای مردم عبرت بگیرید از موعظه‌ای که خدا به دوستان و اولیائش کرده آنجا که در قرآن می‌فرماید: چرا احبار و علمای یهود مردم را از آن سخنان گناه‌آلوده نهی نکردند؟ خداوند آن گروه از بنی‌اسرائیل را که کافر شدند، به زبان داوود پیامبر و عیسی‌ای پیامبر لعن کرد و علتش این بود که اینها عصیان و سرکشی کردند و از مرزهای فرامین الهی گام بیرون نهادند و از بدی‌ها و منکراتی که انجام می‌شد نهی نمی‌کردند. و چه رفتار بدی بود که نهی از منکر نمی‌کردند!

سپس حضرت فرمودند: این عیب‌جویی خدا به این خاطر بود که علمای یهود، منکر و فساد را از ظالمان و حاکمان ستمگر می‌دیدند ولی آنها را از این کار نهی نمی‌کردند. پس لعنت و نفرین الهی یکی از آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر است.

اثر هفتم، ابتلاء جامعه مسلمین به عذاب‌های الهی

هفتمین اثر، عذاب الهی و هلاکت و نابودی است. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: **مَا أَقْرَّ قَوْمٌ بِالْمُنْكَرِ** بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ لَا يُعَيِّرُونَهُ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ مِنْ عِنْدِهِ: ^{۱۷} هیچ گروه و جامعه‌ای نیست که جلوی چشمشان منکرات رایج باشد و اینها ببینند و متوجه باشند و در مقام تغییر و مبارزه با منکر برنیایند، مگر اینکه در معرض کیفر الهی قرار می‌گیرند. خدای متعال همه‌ی آن جامعه را با عقاب و کیفری از جانب خود یک‌جا فرو خواهد گرفت.

۱۶. این روایت هم از امیرالمؤمنین و هم از امام حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام نقل شده است: ابن‌شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۲۳۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۷۹ و حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۳۰.
۱۷. حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۳۷ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۷۸.

در حدیث دیگری پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: **لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَعْمَنَنَّكُمُ عَذَابُ اللَّهِ:**^{۱۸} یا امر به معروف و نهی از منکر می کنید و یا اگر نکرید عذاب الهی همه‌ی جامعه‌ی شما را از، خوب و بد، در برخواهد گرفت. همچنین در حدیث دیگری پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: **إِذَا تَرَكَتْ أُمَّتِي الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيُؤَدِّنْ بَوَاقٍ مِنَ اللَّهِ جَلَّ إِسْمُهُ:**^{۱۹} هنگامی که امت من، یعنی امت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، باید برای عذابی از جانب خدای متعال آماده باشند. در حدیث دیگری نیز پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: **إِذَا تَوَاكَلَتِ النَّاسُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذُنُوا بَوَاقٍ مِنَ اللَّهِ:**^{۲۰} هنگامی که در جامعه‌ی اسلامی مردم مسؤولیت امر به معروف و نهی از منکر را گردن هم می‌اندازند و به یکدیگر حواله می‌دهند باید برای عذاب الهی آماده باشند. عذاب الهی هم لازم نیست حتماً زلزله و سیل و صاعقه‌ی آسمانی باشد. قرآن فرمود: **هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلِيَسَكُمُ شَيْعًا وَ يَذِيقَ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ:**^{۲۱} خدا قادر است بر اینکه عذابی از بالا یا از زیر پایتان برای شما بفرستد؛ یا اینکه شما را به احزاب و جناح‌ها و گروه‌های متعددی تقسیم کند و شما را به جان هم بیندازد؛ یعنی اسیر درگیری و اختلاف شوید. با توجه به روایات، عذاب از بالا یعنی مافوق‌های بدی را بر شما حاکم کند و از پایین یعنی زیردست‌هایتان آدم‌های ناجوری باشند. بنابراین اگر فرمودند ترک

۱۸. التفسیر، منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ج ۱، ص ۴۸۰؛ حرّ عاملی،

وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۳۴ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۸۵.

۱۹. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۷۸ و با اندکی تفاوت: **إِذَا تَرَكَتْ أُمَّتِي**

الْأَمْرَ ... : صدوق، ثواب الاعمال، ص ۲۵۵.

۲۰. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۹؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۷ و

مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۹۲: **إِذَا تَرَكَتْ أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذُنْ بَوَاقٍ مِنَ اللَّهِ**

تعالی.

۲۱. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۶۵.

امر به معروف و نهی از منکر منجر به عذاب می‌شود، یک مصداقش همین است. حال ببینیم آیا درگیر این عذاب‌ها هستیم یا نیستیم؟!

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: **أَوْحَى اللَّهُ [تَعَالَى] إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ: إِنِّي لَمُعَذِّبٌ [مُهِلِكَ] مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ، أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ وَ سِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خَيْرِهِمْ، فَقَالَ: يَا رَبِّ هُوَلاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ؟! فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ: أَنَّهُمْ دَاهَنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَغْضَبُوا لِعِصْيِي: ۲۲** خدای متعال به شعیب پیامبر وحی کرد: من از قوم تو صد هزار نفر را هلاک می‌کنم؛ چهل هزار نفر از شیریران و شصت هزار نفر از خوبان! حضرت شعیب علیه السلام عرض کرد: خدایا این چهل هزار نفر اشرار طبیعتاً مستحق عذابند؛ ولی نیکان چه تقصیری کرده‌اند که هلاک شوند؟! خدای متعال فرمود: اینها در برابر اهل معصیت، سکوت، مداهنه و سازشکاری کردند، بی تفاوتی نشان دادند و نسبت به آنچه من غضبناک بودم غضب نکردند؛ لذا این شصت هزار نفر نیکان بی تفاوت هم در کنار آن چهل هزار نفر شیریران یکجا عذاب و هلاک می‌شوند.

اثر هشتم، هم‌منزل شدن با ظالمان و مفسدان در دوزخ

هشتمین اثری که در روایات برای ترک امر به معروف و نهی از منکر نقل شده، هم‌منزل شدن با ظالمان و مفسدان در دوزخ است. اباعبدالله الحسین علیه السلام در بیاناتشان از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند: **مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِقَوْلٍ وَ لَا فِعْلٍ كَانَ حَقًّا [حَقِيقًا] عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مُدْخَلَهُ: ۲۳** هرکس فرمانروای ستمگری را ببیند که حلال الهی را حرام می‌کند، حرام الهی را حلال می‌کند، عهد و میثاق الهی را می‌شکند و در بین بندگان خدا با گناه و ستمگری حکومت می‌کند و این فرد بیننده در مقام تغییر دادن اوضاع بر نیاید و به غیرت

۲۲. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۵؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۰ و ورام، مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۵.
۲۳. خوارزمی، مقتل، ج ۱، صص ۳۳۴-۳۳۵؛ ابن اعثم کوفی، فتوح، ج ۵، ص ۸۱؛ ابومخنف، وقعۃ الطف، ص ۱۷۲ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲.

نیاید که با عمل یا زبان اوضاع را دگرگون کند، حقّ خدای متعال است که چنین تماشاچی بی تفاوتی را در قیامت در همان جایگاه دوزخی آن سلطان ستمگر وارد کند.

در آغاز زیارت عاشورا در کنار لعنت به جانیانی که حادثه‌ی عاشورا را آفریدند و این نخبگان تاریخ خلقت را با آن شقاوت به شهادت رساندند، می‌گوییم: **لَعْنَةُ اللَّهِ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ**:^{۲۴} لعنت خدا بر آن تماشاچی‌های بی تفاوتی که با سکوت خود این جرأت را به آن ستمگران دادند که چنین جنایتی را بیافرینند. یعنی در کنار لعن بر شمر و عمرسعد و یزیدبن معاویه، تماشاچی‌های بی تفاوت را نیز لعن می‌کنیم و برای هر دو، یک منزل قائلیم. قبلاً عرض کرده‌ام که مطابق برخی مقاتل، روز عاشورا در ساعاتی که اباعبدالله علیه السلام را به شهادت می‌رساندند، یک عده از افراد قبائل اطراف کربلا در حاشیه‌ی میدان ایستاده بودند و صحنه را تماشا می‌کردند و های‌های گریه می‌کردند؛ اما یکی از این بی‌غیرت‌ها جلو نیامد تا از امام حسین علیه‌السلام دفاع کند!

علل ترک امر به معروف و نهی از منکر

به برخی از آثار مهم ترک امر به معروف و نهی از منکر اشاره کردیم. اکنون ببینیم چرا افراد از امر به معروف و نهی از منکر دست می‌کشند؟

آیات و روایات علت اصلی ترک امر به معروف و نهی از منکر را محافظه‌کاری شخص به‌خاطر ترس از خطر یا نگرانی محروم شدن از امتیازات مادی می‌داند که همه‌ی اینها میوه‌ی محبت دنیا و اسارت محبت دنیاست. اباعبدالله‌الحسین علیه السلام در جریان عاشورا می‌فرماید: **النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لِعِزِّ عَلِيٍّ أَلْسِنَتِهِمْ يَخُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ**:^{۲۵} مردم بنده و نوکر و اسیر دنیا هستند

۲۴. محدث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت عاشوراء.

۲۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۷؛ سیدبن طاووس، لهوف، ص ۷۹ و ابن-شعبه‌حرّانی، تحف‌العقول، ص ۲۴۵.

و دین لقلقه‌ی زبان آنهاست. تا وقتی که در کنار این حرف‌ها زندگی مادیشان به روال طبیعی می‌گذرد از دین هم سخن می‌گویند. اما وقتی با بلا و سختی محک می‌خورند و امتحان می‌شوند، آنجا اشخاص متدین بسیار اندکند.

گویا حضرت جامعه‌ی امروز ما را می‌بینند و سخن می‌گویند. این ریش من و آن عمامه‌ی او، کت و شلوار این، مقنعه و چادر او، هیچ‌یک دلیل دیانت نیست! گویا دین فقط برای سخنرانی و تدریس و حق‌التدریس گرفتن، یا فقط برای منبر رفتن و حق منبر گرفتن، یا برای کتاب نوشتن و کتاب فروختن، فقط برای همین‌ها خوب است. خدا می‌داند که دلم خون است از جاهایی که می‌روم و می‌بینم چه‌ها می‌گذرد! ریش در ریش، سبیل در سبیل، عمامه در عمامه، دیگر چه بگویم! می‌نشینند و یک امر فاسد و مغایر با دین را به‌صراحت تماشا می‌کنند و حتی تأیید و مداحی می‌کنند! چرا؟ نگرانند! نکند ترم بعد تدریس مرا کم بگذارند یا پایان‌نامه به من ندهند و درآمد کم شود! نکند فردا رئیس این مجموعه با من درافتد و هزارویک جور بدرفتاری کند!

حال من با زبان حرفه‌ی معلّمی خودم گفتم، دیگران هم در حرفه‌ی خودشان ببینند. خدا شاهد است که انسان چه‌ها می‌بیند!

امام باقر علیه السلام هم در حدیث نسبتاً بلندی گویا از امروز گزارش می‌دهند.^{۲۶} می‌فرمایند: **يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يُتَّبِعُ فِيهِمْ قَوْمٌ مُرَاءُونَ يَتَفَرَّوْنَ وَ يَتَسَكَّنُونَ حُدُنَاءُ سُفَهَاءٍ**: در آخرالزمان قومی هستند که مورد تبعیت قرار می‌گیرند؛ اما اولاً انسان‌هایی ریاکارند؛ ثانیاً دائماً قرآن می‌خوانند و اهل قرائت قرآن هستند؛ ثالثاً اهل نُسک و عبادت و ذکر و نماز شب هم هستند؛ اما اینان تازه به دوران رسیده‌های ابله‌اند! امام باقر علیه السلام به کسی بی‌ادبی نمی‌کنند. واقعیت‌های باطنی آنها را می‌گویند!

۲۶. کلینی، کافی، ج ۵، صص ۵۵-۵۶؛ طوسی، تهذیب‌الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۰ و ورام، مجموعه‌ی ورام، ج ۲، ص ۱۲۵.

حضرت می‌فرمایند: **لا يُوجِبُونَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ وَ لا نَهْيًا عَنِ مُنْكَرٍ إِلَّا إِذَا أَمِنُوا الضَّرَرَ يَطْلُبُونَ لِأَنْفُسِهِمُ الرِّخَصَ وَ الْمَعَاذِيرَ:** اینها امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمی‌دانند؛ مگر هنگامی که از ضرر در امان باشند. و برای در امان ماندن خودشان دائماً دنبال توجیهات و گریزگاه‌هایی می‌گردند که این مسؤولیت سنگین را انجام ندهند و خود را از این امر معاف بدانند. **يَتَّبِعُونَ زَلَّاتِ الْعُلَمَاءِ وَ فَسَادَ عِلْمِهِمْ:** این عبارت دوگونه معنا می‌شود. معنای اول: اینها جاهایی را که علماء دچار لغزش می‌شوند، معیار و ملاک و جواز کار خود می‌دانند و عمل‌های فاسد آنها را تبعیت می‌کنند. معنای دوم: اینها مخالف علماء هستند و می‌گردند که یک نقطه‌ی ضعف از علماء پیدا کنند تا آنها را خراب کنند. البته معنای اول بیشتر با این روایت تناسب دارد.

يُقْبَلُونَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ ما لا يَكْلُمُهُمْ فِي نَفْسٍ وَ لا مَالٍ وَ لَوْ أَضْرَتِ الصَّلَاةُ بِسَائِرِ ما يَعْمَلُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَبْدَانِهِمْ لَرَفَضُوهَا كَمَا رَفَضُوا أَتَمَّ الْفَرَائِضِ وَ أَشْرَفَهَا: اینها به نماز و روزه تا زمانی که اندکی به جان و مالشان ضرر و لطمه‌ای نمی‌زند، روی می‌آورند. اما اگر نماز به مال و دارایی آنها یا رفاه و راحتی آنها اندکی ضرر بزند، نماز را هم رها می‌کنند همان‌طور که برترین و بلندترین واجب الهی یعنی امر به معروف و نهی از منکر را رها کردند.

هُنَالِكَ يَتِمُّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَيَعْمَهُمْ بِعِقَابِهِ فَيَهْلِكُ الْأَبْرَارُ فِي دَارِ الْفَجَارِ وَ الصَّغَارُ فِي دَارِ الْكِبَارِ: در چنین شرایطی است که زمینه‌ی غضب الهی برای این قوم تکمیل می‌شود و عذاب الهی همه‌ی آنها را فرامی‌گیرد. نیکان آنها در خانه‌ی بدهایشان و کوچک‌ها در خانه‌ی بزرگان هلاک می‌شوند.

سپس امام باقر علیه السلام فرمودند: **فَأَنْكِرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَ الْفُطُورَ بِاللِّسَانِ وَ صُكُّوا بِهَا جِبَاهَهُمْ وَ لا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَانِيَم:** پس ای مؤمنین با دل‌های خودتان باطل را انکار کنید. یعنی با تمام وجود از باطل، بدی‌ها و ضدآرزوها منزجر باشید و با زبانتان بر سر مفسدان و ترویج‌گران بدی در جامعه، پرخاش کنید و به صورت آنها بکوبید. و از سرزنش هیچ سرزنش‌گری در راه خدا هراس به خود راه ندهید. بر صورت

افرادی بگویند که به ظاهر خودشان را دین‌مدار و دین‌باور، اهل تنسک و قرائت قرآن و عبادت نشان می‌دهند، ولی بویی از حقیقت دین در وجودشان نیست. آنگاه فرمودند: **فَإِنْ اتَّعَطُوا وَ إِلَى الْحَقِّ رَجَعُوا فَلَا سَبِيلَ عَلَيْهِمْ**: اگر این افراد موعظه‌ی شما را پذیرفتند و به مسیر حق برگشتند، دیگر به آنها انتقاد و اعتراضی نیست. سپس حضرت این آیه را قرائت کردند: **إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ**:^{۲۷} اعتراض به کسانی وارد است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به غیر حق تجاوزگری می‌کنند. عذاب دردناک الهی برای اینهاست.

امام باقر علیه السلام در ادامه فرمودند: **هُنَالِكَ فَجَاهِدُوهُمْ بِأَبْدَانِكُمْ وَ أَنْعَضُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ غَيْرَ طَالِبِينَ سُلْطَانًا وَ لَا بَاغِينَ مَالًا وَ لَا مُرِيدِينَ بِالظُّلْمِ ظَفَرًا**: در چنین شرایطی با بدن‌هایتان با آنها جهاد کنید و با قلب‌هایتان به آنها کینه بورزید و به میدان دشمنی با آنها بروید؛ اما خودتان دنبال ریاست‌طلبی نباشید که این رئیس فاسد را برکنار کنم و خودم رئیس شوم! دنبال این نباشید که فشاری به این رئیس بیایید تا یک امتیاز مالی از او بگیرید. و با روش‌های ظالمانه در پی کسب پیروزی نباشید؛ یعنی روش شما در این کار، روش عادلانه و الهی و خداپسندانه‌ای باشد. **حَتَّى يَفِيئُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ وَ يَمْضُوا عَلَى طَاعَتِهِ**: تا اینکه در اثر این مجاهده و مبارزه‌ی شما آنها مجبور شوند به فرمان خدا گردن نهند و در مسیر طاعت الهی گام بسپارند.

این مجاهده یک وظیفه است؛ اما ترس از دست دادن موقعیت‌های مادی و در معرض خطر قرار گرفتن، اشخاص را از آن باز می‌دارد.

۲۷. سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۴۲.

امام صادق علیه السلام فرمودند: **أَيُّهَا النَّاسُ أَوْمَرُوا [آمُرُوا] بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ**

عَنِ الْمُنْكَرِ لَمْ يُقْرَبَا أَجْلاً وَ لَمْ يُبَاعِدَا رِزْقاً:^{۲۸} ای مردم امر به معروف و نهی از منکر کنید؛ چرا که امر به معروف و نهی از منکر نه مرگ کسی را نزدیک تر می کند و نه رزق کسی را دور می کند. یعنی ترس شما از این است که به دردرس و مرگ و زندان و تحمل سختی بیفتید، یا اینکه مال، ثروت، دارایی و رزق شما از دست برود؛ اما نگران نباشید! کسی نمی تواند بدون اذن خدا به شما آسیب بزند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **بِئْسَ الْقَوْمُ قَوْمٌ لَا يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ:** قومی که امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند چه قوم بدی هستند! **بِئْسَ الْقَوْمُ قَوْمٌ يَقْدِفُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ:** قومی که امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر را متهم می سازند چه قوم بدی هستند! **بِئْسَ الْقَوْمُ قَوْمٌ لَا يَقُومُونَ لِلَّهِ تَعَالَى بِالْقِسْطِ:** قومی که برای خدا به عدالت قیام نمی کنند، چه قوم بدی هستند! **بِئْسَ الْقَوْمُ قَوْمٌ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ فِي النَّاسِ:**^{۲۹} قومی که فرمان دهندگان مردم به عدالت را می کشند چه قوم بدی هستند!

مفهوم واجب کفایی در امر به معروف و نهی از منکر

می دانید که امر به معروف و نهی از منکر یک واجب کفایی است؛ ولی متأسفانه معنای واجب کفایی خوب فهمیده نشده است. از نظر فقهی واجب کفایی چیزی است که در آغاز امر دربرگیرنده ی تمام جامعه ی اسلامی است؛ یعنی تا وقتی آن نیاز به طور کامل برطرف نشده، متوجه تک تک آحاد جامعه ی اسلامی است. اگر افرادی به میدان آمدند و آن نیاز به طور کامل از جامعه ی اسلامی مرتفع شد، این وجوب از عهده ی بقیه برداشته می شود. اما اگر کسی پیش قدم نشد یا تعدادی پیش قدم شدند که برای

۲۸. قمی، علی بن ابراهیم، التفسیر، ج ۲، ص ۳۶؛ بحرانی، برهان، ج ۳،

ص ۶۳۸ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۷۳.

۲۹. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۳.

برآوردن آن نیاز کفایت نمی‌کرد، همه‌ی کسانی که قدم پیش گذاشته‌اند روز قیامت در کنار هم و در یک سطح معاقب و معذّبند.

فکر نکنیم واجب کفایی یعنی به گردن عده‌ای است و به گردن ما نیست! خیر! اگر این نیاز در جامعه‌ی اسلامی تأمین نشود، همه‌ی افراد جامعه در پیشگاه خدا مسؤول و معاقبند. حال نگاه کنیم آیا واقعاً به‌قدر کفایت و به اندازه‌ای که دیگر معروفی در جامعه ترک نشده باشد و منکری رایج نباشد، افراد به میدان آمده‌اند؟ اگر نیامده‌اند، پس همه‌ی ما مسؤولیم! اینها قصّه نیست! اگر به تعبیر امام باقر علیه السلام مهمترین و برترین واجب الهی امر به معروف و نهی از منکر است، فردای قیامت جواب خدا را چگونه خواهیم داد؟! این چگونه دینداری است که ما داریم؟

نکته‌ی دیگر این است که گرچه در واجب کفایی، توانایی بر انجام هر کاری شرط است، اما امری که در جامعه‌ی اسلامی واجب کفایی شد، کسب توانایی انجام آن هم به‌عنوان مقدمه‌ی واجب، بر همه واجب است. اگر جامعه‌ی اسلامی عالم دینی به تعداد مورد نیاز نداشته باشد، بر تمام افراد واجب کفایی است که علوم دینی را بیاموزند و اگر به تعداد کافی به میدان تحصیل علوم دینی و بازگشت به‌سمت جامعه برای آموزش مردم نروند، همه‌ی افراد جامعه معاقبند. قرآن فرمود: **فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ**^{۳۰} چرا گروهی از این مردم در پی درک عمیق دینی نمی‌روند تا به این معارف مسلط شوند، و به جامعه برگردند و افراد را بیدار کنند؟ همان‌طور که می‌بینید این واجب کفایی است و عده‌ای باید بروند، اما اگر نرفتند، خداوند همه را خطاب می‌کند که چرا نرفتید؟!

اگر جامعه به پزشک نیاز دارد و پزشک به تعداد کافی نداریم، وظیفه‌ی مردم است که بروند و پزشکی را یاد بگیرند، تا این نیاز جامعه برطرف شود؛ نه اینکه بگویند من پزشکی نمی‌دانم و نمی‌توانم!

۳۰. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۲۲.

نباید گفت چون من امر به معروف و نهی از منکر را بلد نیستم، چون قدرت، امکانات، تحصیلات و مهارت‌های لازم آن را ندارم، پس به‌عهده‌ی من نیست. نه عزیز من! کسب این توانایی‌ها به‌عنوان مقدمه‌ی واجب، واجب است. تک‌تک ما وظیفه داریم برای رفع تمامی منکرها و استقرار همه‌ی معروف‌ها، در همه‌ی شؤون جامعه‌ی اسلامی و در حدّ کفایت گام پیش نهیم و شرایط و صلاحیت‌های لازم برای این کار را هم کسب کنیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ